

بررسی وضعیت حقوقی مبیع و ثمن در قراردادهای بین‌المللی فروش گاز*

محمد علیخانی**

چکیده

یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی که می‌تواند منافع عمومی و ملی کشورمان را در حوزه اقتصاد و سیاست در سطح بین‌المللی رقم بزند، عرصه انرژی و از آن میان، حوزه گاز طبیعی است. ایران به‌عنوان دومین دارنده ذخایر گاز طبیعی باید بکوشد تا از این منبع بهره‌برداری کرده، گاز طبیعی خود را به بازارهای جهانی عرضه کند. طریقه اصلی و مهم برای رسیدن بدین هدف، فروش آن است که می‌تواند منافع ارزشمندی را برای کشور ما به ارمغان بیاورد. مقاله حاضر می‌کوشد تا با توجه به حقوق داخلی به دو رکن اساسی قراردادهای بین‌المللی فروش گاز، یعنی مبیع (مقدار) و ثمن (قیمت) بپردازد. حاصل آن، علاوه بر شناخت کامل این دو رکن، محک زدن قراردادهای بلندمدت و بررسی موانع و مشکلات ناشی از طولانی مدت بودن این‌گونه قراردادها و تأثیر آن بر روابط طرفین و نتیجتاً پیش‌بینی ساز و کارهای مختلف قراردادی جهت رفع این مشکلات است. همچنین در طول این مقاله، خواننده با روش‌هایی آشنا می‌شود که به‌وسیله طرفین به‌کار گرفته شده تا قرارداد منعطف، قابل بازنگری و قابل تجدیدنظر باشد.

واژگان کلیدی: قرارداد فروش گاز، مقادیر گاز، قیمت گاز، شروط تعدیل مقدار و قیمت گاز

*. این مقاله از پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل نگارنده با عنوان «قرارداد فروش گاز» اقتباس گردیده که در شهریور ماه سال ۱۳۸۶ در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است.
**. کارشناس ارشد حقوق تجارت بین‌الملل mohamadaliikhani 2002@yahoo.com

مقدمه

در عصرهای مختلف، منابع انرژی متفاوتی مانند چوب، زغال سنگ، نفت و مشتقات آن و گاز مورد استفاده قرار گرفته است. این تغییر منابع انرژی از چوب به زغال سنگ و از زغال سنگ به نفت و گاز به خاطر ویژگی‌های خاصی بوده که هر منبع انرژی نسبت به منبع ماقبل خود داشته است. برای مثال هرچه منبع سوختی از لحاظ میزان انرژی که آزاد می‌کند، از لحاظ نیازهای فن‌آوری روز و از لحاظ زیست محیطی مطلوبیت بیشتری داشته باشد، آن منبع مورد توجه و استفاده بیشتری قرار می‌گیرد.^۱ از میان همه منابع طبیعی، گاز طبیعی از اهمیت و مطلوبیت بیشتری برخوردار است؛ چرا که در میان انرژی‌ها از لحاظ شیمیایی بالاترین نسبت هیدروژن به کربن را دارد.^۲ به علاوه، به دلایل ذیل، نقش گاز طبیعی در قرن ۲۱ انکارناپذیر است:

۱. روز به روز منابع گاز طبیعی اکتشافی در حال افزایش است، به طوری که این منبع در قرن ۲۲ به مهم‌ترین منبع انرژی طبیعی سوختی مبدل خواهد شد.^۳ به گزارش مجله نفت و گاز، منابع گاز طبیعی که تا تاریخ ۱ ژانویه ۲۰۰۶ کشف شده حدود ۶/۱۱۲ تریلیون فوت مکعب است که نسبت به رقم ثبت شده در تاریخ مشابه سال پیش از خود، حدود ۱ درصد افزایش نشان می‌دهد.^۴

۲. گاز طبیعی با کاهش دی اکسیدکربن و تثبیت ورود گازهای گلخانه‌ای به جو زمین می‌تواند جریان رو به رشد گرم شدن کره زمین را کاهش دهد.^۵ با وجود این تأثیرات مثبت، مصرف گاز طبیعی با نرخ رشد ۲/۴ درصد در هر سال، کمی کمتر از مصرف زغال سنگ با نرخ رشد ۲/۵ درصد است.

۳. گاز طبیعی، نوعی از انرژی است که می‌تواند در بسیاری از تکنولوژی‌ها و قسمت‌های مختلف صنایع متفاوت از جمله در تولید نیروی الکتریکی و همچنین مصارف خانگی مورد استفاده قرار گیرد.^۶ برای مثال، بخش‌های صنعتی و نیروگاه‌های برق، بزرگترین مصرف‌کنندگان گاز طبیعی هستند. در سال ۲۰۰۳ بخش صنعتی ۴۴ درصد و بخش نیروی الکتریکی ۳۱ درصد از مصرف جهانی گاز طبیعی را به خود اختصاص داده بودند. نرخ رشد استفاده از گاز طبیعی در بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۳۰ از ۲/۸ درصد در سال به ۲/۹ درصد در هر سال خواهد رسید.^۷

۴. اگر گاز طبیعی بتواند از طریق شبکه جهانی عرضه گاز انتقال پیدا کند بسیاری از مردم

1. Morishima H., Natural Gas Bridging to the Future Energy, <http://cat.inist.fr>, 2006, p. 1.

2. *loc. cit.*

3. *loc. cit.*

4. Chapter 4, Natural Gas, International Energy Outlook, Energy Information Administration Report (An Official Statistics from U.S Government), <http://www.eia.doe.gov2006>, p.6.

5. Morishima H., *loc. cit.*

6. International Energy Outlook, *op cit.*, p.1.

7. *loc. cit.*

می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. در این خصوص، روسیه همچنان بزرگ‌ترین صادرکننده گاز طبیعی در جهان است که صادرات خالص آن در سال ۲۰۰۳ معادل ۶/۳ تریلیون فوت مکعب بوده و تمام این گاز از طریق خط لوله منتقل شده است.^۸

با این حال و در حقیقت امر، گاز طبیعی مشکلات خاص خود را نیز دارد. برای مثال، عرضه و تقاضای بازارهای جهانی گاز طبیعی کمتر از نفت بوده، انتقال آن از محلی به محل دیگر بسیار پرهزینه و مشکل است.^۹

از لحاظ ذخایر زیرزمینی، تقریباً سه چهارم گاز طبیعی جهان در خاورمیانه و اوراسیا قرار دارد. تا تاریخ ۱ ژانویه ۲۰۰۶ روسیه با ۲۷/۵ درصد، ایران با ۱۷ درصد و قطر با ۱۴/۹ درصد، جمعاً حدود ۵۹ درصد از ذخایر جهانی گاز را در مالکیت خود دارند. در سایر نقاط جهان این ذخایر تقریباً به صورت پراکنده واقع شده‌اند. بنابراین، در این میان، ایران به‌عنوان دومین دارنده ذخایر گاز طبیعی در جهان دارای جایگاه خاصی از لحاظ انرژی است و در نتیجه باید بکوشد تا با برداشت صیانتی، تولید بیشتری کرده، آن را در بازار جهانی عرضه کند. برای رسیدن به این منظور، مهم‌ترین ابزار حقوقی در این زمینه، قرارداد فروش گاز است که ماهیت آن از لحاظ حقوق داخلی نیاز به تجزیه و تحلیل دارد، به‌ویژه از آن‌رو که در این زمینه کار تحقیقاتی صورت نگرفته است. پیش‌فرض مبتنی بر واقع در این مقاله همچنان که قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز کشورمان حکایت از آن دارند، این است که قرارداد فروش گازی را مورد بررسی قرار دهیم که قانون حاکم بر آن قانون ایران است. در این مجال نمی‌توان تمامی اجزای این قرارداد را به‌طور مفصل مورد بحث و بررسی قرار داد؛ اما می‌توان یکی از مباحث بنیادین مربوط به این‌گونه قراردادها را با توجه به قواعد قانون مدنی ایران بررسی کرد. ثمره این بحث نه تنها می‌تواند ما را با مباحث تنویریک و جالب دو جزء مهم قرارداد فروش گاز یعنی مبیع و ثمن آشنا کند، بلکه با ساز و کارهایی که برای تعیین مقادیر گاز و قیمت‌گذاری آن در قرارداد فروش گاز درج می‌شود، می‌توان آشنایی پیدا کرد.

مطابق بند ۳ ماده ۱۹۰ قانون مدنی ایران، موضوع معین که مورد معامله باشد یکی از شرایط اساسی صحت معامله است. مواد ۲۱۴ تا ۲۱۶ همان قانون، شرایط کلی مورد معامله و مواد دیگر مانند مواد ۳۴۲ و ۳۴۸ به بعد در عقد بیع، شرایط مبیع را تعیین کرده‌اند. اگرچه در قانون مدنی،

8. Morishima H., *loc cit.*

9. Demirbas A., The Importance of Natural Gas as a World Fuel, Energy Sources, Part B: Energy and Planning, Vol.1, No. 4, Taylor & Francis, Oct-Dec. 2006, p. 413, and Matthiesen, Henning. To What Extent Do Take-or-Pay Contracts Facilitate the Development of Infant Gas Markets and What Challenges Do They Pose at the Time of Liberalization?, CEPMLP Annual Review, 2000, www.dundee.ac.uk/cepmlp., p.1

تعریفی از مورد معامله نیامده، اما قانونگذار مصادیق آن را هر چند به طور ناقص در ماده ۲۱۴ قانون مدنی آورده است. مطابق با ماده مذکور: «مورد معامله باید مال یا عملی باشد که هریک از متعاملین، تعهد تسلیم یا ایفای آن را می‌کنند». بنابراین، می‌توان گفت عقد بیع دارای دو موضوع یا دو مورد است: یک طرف، عین معین یا مال کلی است که در آن یا انتقال مالکیت عین معین به خریدار ثابت می‌شود یا یک تکلیف حقوقی برعهده بائع نسبت به تسلیم فردی از افراد مال کلی به خریدار پدید می‌آید. از طرف دیگر، ثمن است که از سوی خریدار به فروشنده تملیک می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد احکام کلی که در خصوص معلوم بودن مورد معامله در شرایط کلی مذکور در مواد ۲۱۴ تا ۲۱۶ همان قانون آمده و آنچه به طور خاص در عقد بیع در خصوص مبیع و شرایط آن در مواد ۳۴۸ به بعد قانون مدنی آمده در خصوص ثمن هم جاری باشد و معلوم بودن عوض (ثمن) در عقد بیع نیز جزء ارکان و از شرایط اساسی عقد بیع است.

اولین فرضیه‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که در قرارداد فروش گاز، ضوابطی حاکم است که می‌تواند علم تفصیلی نسبت به ماهیت دو مورد قرارداد (یعنی مبیع و ثمن) را برای طرفین حاصل کند. حال سؤال این است که چه ضوابطی در قرارداد فروش گاز برای معلوم کردن مبیع و ثمن آن پیش‌بینی می‌شود و این علم تفصیلی به چه شکل و به واسطه چه ساز و کارهایی حاصل می‌آید؟ این سؤال است که در این مقاله در پی پاسخ بدان هستیم. لزوم علم تفصیلی در مورد عقد در ماده ۲۱۶ قانون مدنی در عموماً معاملات و در ماده ۳۴۲ و ۳۵۱ قانون مدنی در خصوص عقد بیع آمده است. این علم، موجب ایجاد فضایی مطمئن برای طرفین و ایجاد میل و رضایت آنها می‌شود. در همین رابطه در فقه، معامله‌ای که در آن رضای طرفین مبتنی بر عوامل مبهم است و روابط طرفین و سرنوشت معامله وابسته به شانس و تصادف باشد، بر مبنای حدیث نبوی «نهی النبی عن بیع الغرر»، باطل دانسته شده است.

فرضیه دوم اینکه در قرارداد فروش گاز به خصوص قراردادهای بلندمدت، هرچه مدت قرارداد و میزان گازی که قرار است تحویل داده شود، زیادتر باشد، ریسک‌های بیشتری قرارداد را تهدید می‌کند. این امر طرفین را مجبور به پیش‌بینی ساز و کارهای لازم برای پیشگیری از بروز اختلافات در مذاکره مجدد قیمت گاز، میزان گاز و کاهش یا افزایش میزان آن می‌کند.

گفتار اول) معلوم بودن گاز (مبیع)؛ ضوابط و شروط تعدیل‌کننده

مطابق با ماده ۳۴۲ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «مقدار و جنس و وصف مبیع باید معلوم باشد و تعیین مقدار آن به وزن یا کیل یا عدد یا ذرع یا مساحت یا مشاهده، تابع عرف بلد است»، زمانی که مورد معامله کلی است برای معلوم کردن آن باید مورد معامله از سه جهت معلوم گردد: ماهیت، مقدار و اوصاف مهم. منظور از ماهیت، ذات یا جنس است که مورد عقد از آن تشکیل

یافته است و در قرارداد مورد بحث، گاز طبیعی^{۱۰} یا همان ذخایر هیدروکربنی است که شامل متان، اتان، پروپان و ترکیبات هیدروکربنی سنگین تر مانند بوتان، پنتان، هگزان، هپتان و اکتان می‌شود. اوصاف مهم مورد معامله نیز اوصافی هستند که معمولاً در جلب رضایت اشخاص مؤثر واقع می‌شوند، هرچند ممکن است در ارزش مورد معامله اثری نداشته باشند و به عبارت دیگر، آنچه در قرارداد فروش گاز و کیفیت گاز حائز اهمیت است و در صورت عدم وجود مشخصات لازم، گاز فاقد کیفیت^{۱۱} نامیده می‌شود. قرارداد فروش گاز، واجد شرطی جهت تعیین مشخصات و کیفیت گازی است که فروشنده متعهد به انتقال آن به خریدار در نقطه تحویل است. همچنین در صورتی که گاز فاقد مشخصات و کیفیت لازم باشد، ضمانت اجرای لازم قراردادی اعمال می‌شود. مشخصات و اوصافی که ممکن است برای گاز ذکر شود معمولاً در رابطه با ترکیب شیمیایی، ارزش حرارتی، دمای گاز و سنگینی آن است. گازی که فاقد کیفیات لازم باشد، می‌تواند خساراتی را به تجهیزات دریافت، انتقال و مصرف خریداران یا مصرف‌کنندگان نهایی وارد آورد. رژیم مسئولیتی که قرارداد فروش گاز برای گاز فاقد کیفیت در نظر می‌گیرد، می‌تواند یکی از موارد ذیل باشد:

- خریدار، تعهدی برای پرداخت در ازای گاز فاقد کیفیت لازم نداشته باشد.
- خریدار می‌تواند از ساز و کار تحویل‌گیری گاز دیرتر از موعد^{۱۲} استفاده کند اما استفاده از این حق نمی‌تواند در دوره آزمایش^{۱۳} گاز صورت بگیرد. طی این ساز و کار اگر خریدار در قسمتی از سال، گاز را به میزان تعیین شده تحویل نگرفت اما در قبال آن تعهد دریافت یا پرداخت خود را انجام داد، می‌تواند قبل از پایان سال، آن میزانی را که تحویل نگرفته، بدون پرداخت مبلغی مجدد، تحویل بگیرد.

- جبران خسارتی که برای نقصان یا کسری گاز^{۱۴} پیش‌بینی شده در این مورد نیز اعمال شود. میزان گازی که معمولاً توسط خریدار تعیین می‌گردد و فروشنده از تحویل آن میزان قصور می‌ورزد، کسری گاز گفته می‌شود.

یکی دیگر از مواردی که موجب رفع ابهام در مبیع می‌شود تعیین مقدار یا کمیت آن است. در قراردادهای فروش گاز، مقدار قراردادی^{۱۵} حداکثر میزان گازی است که فروشنده متعهد می‌شود در طول مدت قرارداد به خریدار تحویل دهد. این میزان معمولاً توسط فروشنده و براساس امکان

-
10. natural gas
 11. gas quality and off-specification gas
 12. make-up gas
 13. commissioning period
 14. shortfall gas
 15. contract quantity

بهره‌وری اقتصادی از مخازن تخمین زده می‌شود و باید پاسخگوی نیازها و مقتضیات تجاری خریدار باشد. مقدار روزانه گاز،^{۱۶} مقدار گازی است که روزانه تحویل داده می‌شود و نشان‌دهنده میانگین سالانه گازی است. تعیین این میانگین، فی‌نفسه اهمیت خاصی ندارد، بلکه آنچه تعیین این امر را مهم می‌سازد این است که میزان روزانه قراردادی در واقع، مبنای محاسبه در بسیاری از شروط دیگر قرار می‌گیرد.

مبحث اول) مقادیر گاز در انواع قراردادهای فروش گاز

مشخص بودن یا نبودن مقدار گازی که فروشنده در طول مدت قرارداد فروش گاز متعهد به تحویل آن است، بستگی به این دارد که قرارداد فروش گاز از کدام نوع از قراردادهای معمول در صنعت گاز باشد. به‌طورکلی، دو نوع قرارداد در صنعت گاز وجود دارد: بنا به آنچه نام‌گذاری می‌کنیم، یکی قرارداد تهیه و تحویل گاز^{۱۷} و دیگری قرارداد اختصاص میدان گاز به خریدار.^{۱۸}

الف) مقدار در قرارداد تهیه و تحویل گاز

در قراردادهای نوع اول، یعنی قراردادهای تهیه و تحویل گاز، گاز یک کالای متجانس و همگون است و فروشنده متعهد می‌شود که مقادیر مشخصی از آن را در یک دوره مشخص به خریدار تحویل دهد. مشخصه‌های این نوع قراردادها عبارتند از:

- **عدم اختصاص میدان گازی خاص:** این قرارداد در واقع، قرارداد تهیه و عرضه یک میزان گاز مشخص در یک دوره زمانی معین است و در آن، میدان گازی خاصی به‌عنوان منبع عرضه به خریدار اختصاص نمی‌یابد و فروشنده مختار است از هر میدان گازی که می‌خواهد گاز را به خریدار عرضه کند. بنابراین، ممکن است چندین مشتری از یک میدان یا مجموعه‌ای از میداین تحت قراردادهای جداگانه، گاز دریافت کنند.

- **میزان گاز مشخص و ثابت:** میزان گازی که فروشنده به خریدار می‌دهد ثابت و پایدار است. حتی اگر تغییری (کمی یا زیادی) در میزان گاز پدید آید براساس شروط قراردادی است و بستگی به خصیصه‌های میدان گازی خاص در تهیه گاز ندارد.

- **مدت قراردادی ثابت:** مدت قرارداد، ثابت و تغییرناپذیر است و شرط فسخ قرارداد به دلیل اقتصادی نبودن قرارداد، وجود ندارد.

- **منابع گازی معمول:** از آنجا که قرارداد تهیه و تحویل گاز، بیان‌کننده خصایص میداین

16. daily contract quantity

17. supply contracts

18. depletion contracts

خاصی نیست، به طور سنتی، جهت فروش گاز میادین بزرگ استفاده می‌شود.^{۱۹} بنابراین در این نوع از قراردادهای مبیع از جهت مقدار گازی که فروشنده در طول مدت قرارداد بدان متعهد می‌شود مشخص و معلوم بوده، به قرارداد از این حیث ایرادی وارد نیست. با توجه به تقسیم‌بندی سه‌گانه عقد بیع در حقوق ایران به بیع عین معین، کلی در معین، و کلی فی‌الذمه و تعاریف و ارکان قراردادهای تهیه و تحویل گاز مذکور در فوق می‌توان گفت این نوع از قراردادهای از نوع کلی فی‌الذمه هستند؛ چرا که تکلیف فروشنده، تهیه و تحویل فرد معین از افراد کلی، یعنی میزان ثابتی از گاز با وصف مشخص شده در قرارداد است. بنابراین، قرارداد مزبور از جهت علم به مبیع و حصول شرایط، مصداق ماده ۳۵۱ قانون مدنی است: «در صورتی که مبیع کلی (یعنی صادق بر افراد عدیده) باشد بیع وقتی صحیح است که مقدار و جنس و وصف مبیع ذکر شود». نتیجتاً با فرض حاکمیت قانون ایران، این‌گونه قراردادهای از این حیث فاقد ایراد بوده، صحیح هستند.

ب) مقدار در قرارداد اختصاص میدان گاز به خریدار

اما مطابق با قراردادهای نوع دوم، فروشنده، میدان گازی خاصی را به خریدار اختصاص می‌دهد و متعهد می‌شود که تمام یا درصد معینی از گاز را که از لحاظ اقتصادی با صرفه است به منظور فروش به خریدار تولید کند. موارد آتی از ویژگی‌های این نوع قرارداد است:

- **اختصاص منبعی واحد جهت عرضه به خریدار:** این مورد، اصلی‌ترین خصیصه این نوع قرارداد است و در واقع، گاز از منبع خاصی برای خریدار تهیه و به وی عرضه می‌گردد که معمولاً و نه همیشه در انحصار آن خریدار خاص قرار دارد.

- **مقادیر گاز به قابلیت میدان گازی بستگی دارد:** تولید گاز در ابتدای امر از میزان کم آغاز می‌شود تا اینکه در یک دوره زمانی به مرحله تثبیت خود می‌رسد و پس از این دوره، دوباره یک دوره افول خواهد داشت. بنابراین، مقدار گازی که مطابق قرارداد، قرار است تحویل خریدار شود در وابستگی کامل با دوره‌های صعود، تثبیت و افول در استخراج گاز از میدان گازی به سر می‌برد.

- **فسخ قرارداد:** اگرچه بیشتر قراردادهای اختصاص میدان گاز دارای شروط قطعی و ثابت هستند، اما ممکن است حاوی شرطی به نفع فروشنده باشند که طی آن وی بتواند قرارداد را به دلیل اینکه تولید گاز از آن میدان گازی، دیگر اقتصادی نیست، فسخ کند.

- **مناسب برای میادین گازی کوچک و متوسط:** قرارداد اختصاص میدان گاز به خریدار از

19. Trimble Niall, An Introduction to Gas Sales Agreements, Oil and Gas Law and Taxation Review, Vol.10, Sweet & Maxwell, 1992, p. 331.

یک طرف، بیان‌کننده خصایصی است و این خصایص معمولاً در میادین گازی کوچک و متوسط یافت می‌شود و از طرف دیگر، در این نوع قرارداد، خریدار، صرفاً یک شخص است و اختصاص میادین گازی بزرگ برای یک خریدار مناسب نیست.

دوره‌های مختلف مقادیر گاز در طول مدت قرارداد اختصاص میدان گاز به خریدار به شرح ذیل است:

۱. دوره تثبیت در مقدار روزانه گاز:^{۲۰} در قرارداد اختصاص میدان گازی به خریدار، یک دوره ثابت جهت تحویل میزان روزانه قراردادی برای سال‌های اولیه قرارداد تعیین می‌شود که «دوره تثبیت مقدار روزانه قراردادی» نامیده می‌شود. این دوره می‌تواند برای مدت مشخصی باشد. یا ممکن است شرط شود که این دوره تا زمان تولید نسبت معینی از ذخایر گازی ادامه داشته باشد. در قرارداد تهیه و تحویل گاز، میزان روزانه قراردادی در تمامی دوره‌های قرارداد به میزانی است که در قرارداد معین و مشخص گردیده است.

۲. دوره افول مقدار روزانه گاز:^{۲۱} بعد از اتمام دوره تثبیت، قرارداد اختصاص میدان گاز، وارد «دوره افول مقدار روزانه گاز» می‌شود. در این دوره، مقدار روزانه گاز هر سال براساس ظرفیت تولید میدان گازی تنظیم می‌شود. به‌طور کلی در این دوره، میزان روزانه گاز، بالاترین حدی است که آن میدان یا میادین گازی می‌توانند پاسخگو باشند. فروشنده تا هر سال موظف است میزان روزانه گاز را در دوره افول مشخص و به خریدار در مدت معینی اطلاع و اخطار دهد. اگر خریدار در آن اختلاف کند موضوع می‌تواند به‌موجب شرط قرارداد به یک متخصص مستقل جهت حل اختلاف ارجاع شود. لازم به ذکر است که قرارداد تهیه و تحویل گاز بنا به ویژگی‌های خاص خود، این دوره را ندارد.

۳. ظرفیت تحویل گاز:^{۲۲} این ظرفیت که هم در قرارداد اختصاص میدان گاز به خریدار و هم در قرارداد تهیه و تحویل گاز وجود دارد عبارت است از حداکثر میزان روزانه گازی که خریدار می‌تواند مطابق قرارداد تعیین کند و فروشنده موظف به تحویل آن است. این میزان، نسبت مشخصی از میزان روزانه گاز است. در نتیجه، هنگامی که میزان روزانه شروع به کاهش می‌کند یا به‌عبارتی دوره افول میزان روزانه گاز شروع می‌شود، ظرفیت تحویل هم به همان نسبت کاهش می‌یابد.

۴. سطح حداقلی تعیین مقدار گاز و سطح صفر در تعیین مقدار گاز: از آنجا که تجهیزات تولید گاز در سطوح تولید پایین همیشه به‌طور مطلوب کار نمی‌کنند، خریدار می‌تواند مشتاق است تا یک کف یا سطح حداقلی تعیین گاز را برای خود نگه دارد. این حداقل می‌تواند

20. plateau period

21. decline DCQ

22. delivery capacity

نسبت مشخصی از میزان روزانه گاز یا میزان ثابتی از نرخ تولید باشد. اگرچه بیشتر قراردادهای فروش گاز به خریدار اجازه می‌دهند که میزان گازی که درخواست می‌کند صفر باشد، اما خریدار مجاز نیست از حداقلی که تعیین شده، پایین بیاید.

۵. حداکثر مقدار قراردادی: اینکه فروشنده به خریدار اجازه دهد مقدار بیشتری از میزان روزانه گاز را جهت تحویل گاز مطالبه کند «عامل نوسان» نامیده می‌شود که نشان دهنده بیشترین میزانی است که خریدار می‌تواند به آن دست یابد. به عبارت دیگر، «حداکثر میزان قراردادی» بالاترین مقدار گازی است که خریدار می‌تواند در هر روز جهت تحویل در نقطه تحویل معین کند و این تعیین میزان از سوی خریدار می‌تواند بر روی شروط دیگر از جمله کسری گاز، گاز اضافی، و تحویل‌گیری کمتر یا بیشتر از میزان تعیینی تأثیر گذارد. فروشنده باید مطمئن باشد که تجهیزات تولید و انتقال وی توان تحویل‌دهی این میزان گاز را دارد. حتی در بعضی موارد، فروشنده مجبور می‌شود تا جهت نصب تجهیزات اضافی، هزینه‌هایی را متحمل شود که این خود می‌تواند یکی از عوامل افزایش قیمت قراردادی شود.^{۲۳}

از میان تقسیم‌بندی انواع بیع، می‌توان گفت که قرارداد اختصاص میدان گاز به خریدار به نوع بیع کلی در معین نزدیک‌تر است؛ چرا که فروشنده مکلف است میزان گاز مشخصی را که براساس طبیعت میدان گازی تعیین می‌شود در طول دوره قرارداد به خریدار تحویل دهد. با این فرض که گاز مزبور را مثلی بدانیم در حقیقت این نوع قرارداد مانند قرارداد فروش ۱۰۰ تن گندم از انبار ۱۰۰۰ تنی گندم است. بنابراین، از جهت رعایت مقررات مبیع، این قرارداد تحت شمول ماده ۳۵۱ قانون مدنی قرار می‌گیرد و مقدار، جنس و وصف مبیع باید مشخص گردد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در نوع اخیر از قراردادهای فروش گاز، مقدار گاز ممکن است براساس افزایش یا کاهش مقدار گاز مخزن تنظیم شود و مقدار قراردادی می‌تواند تحت تأثیر تخمین‌هایی باشد که از میزان گاز مخزن زده می‌شود. طبیعتاً اگر مقدار گاز دچار نوسان شود این سؤال را به ذهن متبادر سازد که آیا طرفین در خصوص چنین مبیعی علم تفصیلی دارند یا مورد معامله دارای ابهام است؟ بنا بر ماده ۳۴۲ قانون مدنی، کمیت مورد معامله یا با مشاهده و یا با ضابطه متعارف مانند وزن یا کیل یا عدد یا ذرع یا مساحت معلوم می‌گردد. به عبارت دیگر، مطابق با این ماده، کمیت مورد معامله می‌تواند با ضابطه عرف بلد معلوم شود. بنا بر یک نظر، منظور از عرف بلد، عرف محل اقامت طرفین معامله است و ارجاع مذکور به عرف اقامتگاه طرفین از آن جهت است که ایشان عادتاً رسم، روش و ضوابط معمول در اقامتگاه خود را می‌شناسند و مورد معامله با ضابطه مزبور برای طرفین معلوم می‌شود.^{۲۴} البته این نظر جای تأمل دارد،

23. Trimble Niall, An Introduction to Gas Sales Agreements, *op. cit.*, p. 332.

۲۴. شهیدی، مهدی، «حقوق مدنی: تشکیل قراردادها و تعهدات»، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۳۰۴.

علی‌الخصوص در قراردادهای بین‌المللی که محل اقامت طرفین در دو کشور متفاوت است. در صورت حکومت قانون ایران می‌توان گفت در قراردادهای بین‌المللی، مقصود طرفین، عرف مکان یا منطقه خاصی نیست و معلوم بودن آن نزد شرکت‌های بین‌المللی نفت و گاز به‌عنوان بازیگران اصلی این نوع معاملات، کافی است. بنابراین، در صورت معلوم بودن کمیت مورد معامله (گاز) نزد این شرکت‌ها می‌توان گفت شرایط مذکور در قانون مدنی احراز گردیده است.

به‌طور خلاصه، آنچه در صنعت گاز ایران رواج دارد انعقاد قراردادهای نوع اول است که با توجه به مقررات بررسی شده براساس قانون مدنی می‌توان گفت این‌گونه قراردادها صحیح هستند، اما در خصوص نوع دوم از قراردادهای مذکور که در حال حاضر در ایران مرسوم نیست به‌نظر می‌رسد اختصاص میدان گاز به خریدار به مفهوم اعطای حاکمیت و مالکیت به خریدار نیست و از این حیث، مغایرتی با اصول قانون اساسی مبنی بر حاکمیت دولت بر منابع تحت‌الارضی ندارد؛ زیرا همان‌طور که گفته شد، اختصاص منبع واحد جهت عرضه گاز به خریدار صرفاً بدین معنا است که گاز از منبعی خاص جهت تهیه و تحویل به خریدار تعیین گردد.

مبحث دوم) تعدیل مقادیر گاز و شروط مربوط

در قراردادهای فروش گاز عموماً خریدار متعهد می‌شود که در قبال گازی که تحویل می‌گیرد قیمت تعیین شده در قرارداد را بپردازد و حتی در صورتی که گاز را به اراده خود تحویل نگیرد و این مقدار گاز در سال، کمتر از حداقل میزان گازی باشد که تعهد به تحویل گرفتن آن را دارد باید قیمتی برابر با این مقدار گاز را بپردازد. چنین ضابطه‌ای را مقدار دریافت یا پرداخت سالیانه^{۲۵} می‌نامیم. به‌عبارت‌دیگر، خریدار یا باید مقدار گازی که طی ساز و کار تعیین روزانه گاز^{۲۶} مشخص می‌سازد و در سال نباید کمتر و بیشتر از حداقل و حداکثر میزان گاز سالیانه باشد، تحویل بگیرد و قیمت قراردادی آن را بپردازد یا اینکه در صورت عدم دریافت گاز، قیمتی معادل با آن را به‌عنوان جریمه بپردازد.^{۲۷} در واقع، فلسفه چنین جریمه‌ای بازگشت هزینه‌های اولیه، هزینه‌های عملیاتی و پوشش سود مورد انتظار از پروژه (همچنان‌که در گفتار بعدی از آن سخن خواهیم گفت) است. مقدار دریافت یا پرداخت سالیانه گاز معمولاً درصدی (۶۰ تا ۱۰۰ درصد) از مقدار سالانه گاز است. مقدار سالانه گاز^{۲۸} ثابت نیست و می‌تواند مورد تعدیل قرار بگیرد.^{۲۹} شروطی که می‌توان

25. annual take or pay quantity

26. daily nomination

27. Davey Henry, "Take or Pay" and "Send or Pay": A Legal Review and Long-Term Prognosis, Oil and Gas Law and Taxation Review, Vol.15, Sweet & Maxwell, 1997, p. 419.

28. annual contract quantity

29. adjusted ACQ

بر مبنای آنها مقدار سالانه گاز را تعدیل کرد، عبارتند از:

۱. گازی که تحویل خریدار نشده است:^{۳۰} مطابق با این شرط، مقدار گازی که فروشنده از تحویل آن به خریدار قصور ورزیده است و به آن نقصان یا کسری گاز^{۳۱} گفته می‌شود و شامل گاز فاقد کیفیت نیز می‌گردد، می‌تواند مبنای تعدیل قرار گیرد.

۲. فورس ماژور: براساس شرط فورس ماژور، گازی که فروشنده یا خریدار به دلیل حوادث قهری، قادر به تحویل دادن یا تحویل گرفتن آن نبوده‌اند، می‌تواند مبنایی برای تعدیل مقدار سالیانه گاز قرار گیرد. چنین فورس ماژوری در رابطه میان خریدار با مصرف‌کنندگان نهایی خود که گاز را به آنها تحویل می‌دهد نیز قابل استناد برای تعدیل است.

۳. تحویل‌گیری گاز دیرتر از موعد - بر مبنای این شرط، اگر خریدار در طی یک سال یا سالیانی، گاز بیشتری را دریافت کرده و در ازای آنها هم پرداخت صورت داده باشد، در صورتی که در یکی از سال‌های آتی، کمتر از مقدار دریافت یا پرداخت سالیانه خود گاز دریافت کند، می‌تواند از اعتبار سال‌های گذشته خود، مبنی بر تحویل‌هایی که زودتر از موعد انجام داده از میزان تعهد مذکور در یک سال بکاهد و گاز کمتری را تحویل بگیرد.^{۳۲}

موارد تعدیل مذکور در بالا معمولاً منجر به تعدیل مقدار کل قرارداد نمی‌شود که در این صورت، تعدیل‌های مزبور صرفاً تعدیل‌هایی است که طی آن خریدار یا فروشنده می‌تواند از آنها استفاده کرده، میزان گازی را که در مقطعی از زمان تحویل نگرفته یا تحویل نداده در مقطع زمانی بعدی براساس شروط قراردادی پیش‌بینی شده تحویل بگیرد یا تحویل دهد. ضمانت اجرای تعیین شده به علت تخلف از تحویل‌دهی یا تحویل‌گیری گاز از سوی فروشنده یا خریدار این است که برای مثال، خریدار می‌تواند همان گاز را در دوره زمانی مشخصی با تخفیف در قیمت تحویل بگیرد یا اینکه در همان زمان، خسارت خود را به‌خاطر کسری یا کاهش گاز مطالبه کند. فروشنده هم می‌تواند در صورتی که خریدار، گاز تعیین شده را تحویل نگیرد از ضمانت اجرای دریافت یا پرداخت براساس آنچه در بالا گفته شده استفاده کند. اما چنانچه تعدیل‌های فوق، ولو به‌صورت نادر، منجر به تعدیل مقدار کل قراردادی بشود علی‌الخصوص در قرارداد اختصاص میدان گاز که مقدار گاز ممکن است براساس افزایش یا کاهش مقدار تنظیم شده و مقدار قراردادی تحت تأثیر تخمین‌هایی باشد که در مورد میزان گاز مخزن صورت می‌گیرد، این سؤال به ذهن متبادر می‌گردد که آیا در خصوص چنین مبیعی علم تفصیلی هست یا مورد معامله دارای

30. non-delivered gas

31. shortfall gas

32. Trimble Niall, Gas Contracts for Power Generation, Oil and Gas Infrastructure and Midstream Agreements with Precedents, London, Langham Legal Publishing, 1999, p. 93.

ابهام است؟ بنا بر ماده ۳۴۲ قانون مدنی، کمیت مورد معامله می‌تواند با ضابطه عرف بلد معلوم شود. همان‌طور که گفته شد از آنجا که قراردادهای فروش گاز مورد بحث، واجد جنبه بین‌المللی هستند و عرف مکان یا منطقه خاصی مورد نظر نیست به نظر می‌رسد معلوم بودن آن نزد شرکت‌های بین‌المللی نفت و گاز به‌عنوان بازیگران اصلی این نوع معاملات کافی باشد. بنابراین، از حیث تعیین مقدار گاز از آنجا که قابلیت تعیین هم به مبيع علم عرفی می‌دهد صحت بیع به صواب نزدیک‌تر است.

گفتار دوم) تعیین قیمت گاز (ثمن)؛ ضوابط و تعدیل آن

قرارداد فروش گاز، متضمن شرطی است که طی آن، قیمت مقدار گازی که به‌وسیله فروشنده به خریدار تحویل داده می‌شود، تعیین می‌گردد. قیمت گاز بستگی به این دارد که واحد مقدار گاز در قرارداد بر چه اساسی تعیین گردیده است؛ چرا که مقدار گاز، هم می‌تواند براساس ارزش حرارتی^{۳۳} آن تعیین شود و هم می‌تواند براساس واحد حجم^{۳۴} باشد.

می‌توان گفت در نظر طرفین، تعیین قیمت گاز که تضمین‌کننده دیگر شروط قرارداد است با اهمیت‌ترین قسمت قرارداد تلقی می‌شود. دریافت ثمن مناسب در واقع، تضمین‌کننده ثبات اقتصادی قراردادهای بلندمدت فروش گاز است.

قیمت گاز همچنین می‌تواند مبنایی برای تعیین قیمت دیگر مقادیر تعیینی در قرارداد باشد؛ برای مثال مقادیری چون قیمت گاز اضافی،^{۳۵} قیمت گازی که توسط فروشنده تحویل داده نشده (نقصان یا کسری گاز)،^{۳۶} قیمت گاز آزمایشی^{۳۷} و بهای گازی که خریدار کمتر یا بیشتر از میزان تعیین شده در قرارداد تحویل می‌گیرد.^{۳۸}

تعیین قیمت گاز با تعیین قیمت نفت از یک جنبه اساسی با هم متفاوتند و آن اینکه برخلاف نفت، برای گاز، قیمت تجاری بین‌المللی شناخته شده‌ای^{۳۹} وجود ندارد، حتی اگر بتوان بازارهای محلی مشخصی را یافت که ارائه‌دهنده قیمت تجاری باشند و در قراردادها از آنها به‌عنوان مرجع

۳۳. ارزش حرارتی یا گرمایی (calorific value)، به میزان گرمایی اطلاق می‌شود که برای بالا بردن دمای یک پوند (۴۵۳/۵۹ گرم) آب خالص از ۵۹ درجه فارنهایت به ۶۰ درجه فارنهایت در فشار مطلق ۱۴/۷ لازم است. واحد آن، بی.تی.یو (British Thermal Unit) است و با ژول اندازه‌گیری می‌شود؛ به‌عبارتی، هر بی.تی.یو تقریباً معادل ۱۰۵۵ ژول است.

۳۴. حجم (volume) به میزان گازی اطلاق می‌شود که در صورت ثابت بودن فشار (۱۴/۷) و دما (۶۰ درجه فارنهایت) در یک فوت مکعب جا اشغال می‌کند. حجم گاز با متر مکعب نیز اندازه‌گیری می‌شود. برای مثال یک متر مکعب تقریباً معادل ۳۵/۳ فوت مکعب می‌باشد.

35. excess gas price

36. shortfall gas price

37. commissioning gas price

38. premiums for undertake and overtake gas

39. generally recognized international trading price

(نقطه عطف) استفاده کرد. بنابراین، بدین علت که در بازار گاز، قیمتی که طرفین قرارداد فروش گاز بتوانند بر آن تکیه کنند، وجود ندارد قیمت گاز باید در چارچوب قرارداد موجود و اوضاع و احوال اقتصادی خاص حاکم میان طرفین مورد مذاکره قرار گیرد.

خریدار به دنبال قیمتی است که در طول مدت قرارداد در مقایسه با قیمت دیگر سوخت‌ها قابل رقابت بوده و منتج به اختلاف غیرقابل قبول میان بهایی که برای گاز پرداخت می‌کند و درآمد حاصل از کالایی که وی می‌فروشد (برای مثال قیمت نیروی تولیدی، قیمت محصولات پتروشیمی حاصل یا قیمت باز فروش گاز) نشود.

فروشنده نیز متوجه این مسئله است که قیمت گاز، نهایتاً بهایی است که خریدار قادر به پرداخت آن است، نه بهایی که وی انتظار دریافت آن را دارد. بنابراین، اصل مذکور، اصل اساسی توافق طرفین بر سر تعیین قیمت قابل قبول برای گاز را تشکیل می‌دهد؛ چرا که گازی که فروخته نشود و در اعماق زمین نگه داشته شود برای فروشنده ارزش مالی نخواهد داشت. از نظر فروشنده، قیمت گاز باید پوشش‌دهنده سه عامل باشد:

۱. هزینه‌های زیرساختی:^{۴۰} هزینه‌های سرمایه‌ای برای زیرساخت‌های تولید گاز، اعم از هزینه‌های اکتشاف و توسعه (و انتقال آن)؛
۲. هزینه‌های عملیاتی:^{۴۱} هزینه‌هایی که فروشنده در رابطه با تولید گاز (و انتقال آن به نقطه تحویل در صورتی که مطابق با قرارداد، انتقال گاز بر عهده فروشنده است) متحمل شده است.

۳. سود مورد انتظار:^{۴۲} سود تجاری لازم در تجارت تولید (و انتقال) گاز؛ چرا که فروشنده به دنبال چیزی بیش از بازگرداندن هزینه‌های خود است.^{۴۳}

هزینه‌های مذکور در بند اول از موارد فوق‌الذکر، ممکن است مستقیماً توسط فروشنده یا اشخاص دیگری که پروژه‌های بالادستی را تأمین مالی می‌کنند مانند وام‌دهندگان به فروشنده انجام گردد. بنابراین، زمانی که هزینه‌های پروژه توسط وام‌دهندگان انجام می‌شود تعیین قیمتی مناسب برای گاز در قرارداد فروش گاز می‌تواند تضمین‌کننده سود مورد انتظار ایشان یعنی همان سود مذکور در بند سوم از موارد بالا باشد.

زمانی که هزینه‌های زیرساختی تولید و انتقال گاز قبلاً توسط قرارداد فروش گاز که فروشنده آن را با دیگری منعقد کرده به‌طور مناسبی پوشش داده شده، ممکن است خریدار این

40. infrastructure costs

41. operating costs

42. expected return

43. Roberts Peter, Gas Sale and Gas Transportation Agreement: Principles and Practice, London, Sweet & Maxwell, 2004, p.116.

ایراد را بگیرد که قیمت گاز و تعهدات دریافت یا پرداخت وی نباید دربرگیرنده این هزینه‌ها برای بار دیگر باشد؛ اما در نظر فروشنده، قیمت باید موجب بازگشت هزینه‌های اولیه و هزینه‌های عملیاتی و نیز دربردارنده منافع قابل قبولی از پروژه باشد.^{۴۴}

حتی در صورتی که فروشنده به‌طور قطع و یقین، بازگشت تمامی هزینه‌های فوق‌الذکر را در قرارداد فروش گاز پیش‌بینی کرده باشد به‌محض اینکه در اثنای مدت قرارداد این هزینه‌ها تا حدودی بازگردانده شد خریدار خواستار کاهش قیمت گاز یا کاهش تعهدات دریافت یا پرداخت می‌شود؛ چرا که در نظر وی با از بین رفتن ریسک عدم بازگشت هزینه‌ها تعادل اقتصادی پروژه به نفع فروشنده از بین رفته است. اما این ادعای خریدار می‌تواند با ادعای فسخ قرارداد به دلیل اقتصادی نبودن قرارداد^{۴۵} همراه باشد.^{۴۶}

زمانی که از جریان تولید گاز، منفعتی تبعی مانند میعانات همراه گاز^{۴۷} عاید فروشنده گردد، خریدار ممکن است خواستار تنزیل قیمت گاز شود.

قیمت گاز می‌تواند به دلایل متعدد دیگر در حین مذاکرات و انعقاد قرارداد یا در اثنای مدت قرارداد، مورد مذاکره و چالش قرار گیرد و هریک از طرفین بنا بر ساز و کارهای پیش‌بینی شده در قرارداد، خواستار کاهش یا افزایش آن گردد.

مبحث اول) تعیین قیمت گاز (ثمن) و انتخاب شاخص

هدف از ساز و کار قیمت‌گذاری گاز این است که منافع درازمدت فروشنده و خریدار تأمین شود و قیمتی مورد توافق قرار گیرد که ریسک‌های مربوط به قیمت به نسبتی عادلانه میان طرفین تقسیم شود. برای فروشنده، دو هدف اصلی متصور یکی تعیین قیمت براساس ارزش گاز با توجه به نوسانات بازار و طول مدت قرارداد، و دیگری ایجاد اطمینان خاطر برای تولیدکننده در رابطه با سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی در میادین گازی. از منظر خریدار نیز تغییر قیمت گاز باید در یک مقایسه نسبی با قیمت دیگر سوخته‌ها در بازار با آنها رقابت کند. به‌طور کلی، هدف خریدار از تنظیم

44. Beggs Daniel, Gas Sales and Supply Contracts, in Natural Gas Agreements, ed. Martyn R. David, London: Sweet & Maxwell, 2002, p.152.

45. economic termination:

فروشنده می‌تواند برای خود حق فسخی را پیش‌بینی کند که طی آن، هرگاه ادامه تولید گاز، دیگر از لحاظ اقتصادی به صرفه نباشد قرارداد را فسخ کند. البته ممکن است در قرارداد، تعریفی از اینکه چه موقع، پروژه اقتصادی است و چه موقع، اقتصادی نیست، ارائه نشده باشد و این امر موجب اختلاف طرفین شود. رویه متعارف و معقول در صنعت نفت و گاز در این زمینه با درج تعریفی صریح مانند جریان وجه نقد مثبت (positive cash flow) به معنای مابه‌التفاوت مناسبی از هزینه تولید و عواید دریافت شده توسط فروشنده) می‌تواند معیار اقتصادی بودن یا نبودن قرار گیرد.

46. loc. cit.

47. associated condensate

ساز و کار قیمت گاز آن است که قیمت گاز به نحوی باشد که منافع قابل قبولی را برای وی در طول مدت قرارداد به همراه داشته باشد.^{۴۸}

الف) تعیین قیمت گاز

قیمت گاز می‌تواند براساس قیمت‌های منتشر شده در بازارهای داخلی صورت بگیرد. مثلاً در قراردادی که یک طرف آن کشور انگلستان است قیمت گاز منتشر شده در آن بی‌پی^{۴۹} می‌تواند مبنایی برای تعیین قیمت گاز در قرارداد فی‌مابین طرفین قرار گیرد. بنابراین، چنین قیمتی در واقع به‌طور کلی یا به‌طور جزئی بیان‌کننده قیمتی است که براساس تغییرات بازار در طول زمان تغییر می‌یابد. در قراردادهای بلندمدت فروش گاز، طرفین تمایلی به استفاده از چنین روشی ندارند؛ چرا که قیمت گاز ممکن است دستخوش تغییرات ناگهانی و غیرقابل قبول قرار گیرد. روش دیگر این است که طرفین بر قیمتی ثابت توافق کنند؛ اما طرفین در خصوص این روش هم تمایلی نشان نمی‌دهند؛ چون با توجه به تغییرات بازار در طولانی‌مدت، قیمت ثابت نمی‌تواند بازتابی از ارزش نسبی گاز باشد. چنین ساز و کارهایی معمولاً در قراردادهای کوتاه‌مدت یا میان‌مدت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

روشی که در قراردادهای بلندمدت می‌تواند مورد توافق طرفین قرار گیرد روشی ترکیبی است. در این روش ابتدا طرفین، قیمت پایه را براساس اوضاع و احوال تجاری در قراردادی مشخص تعیین می‌کنند که این قیمت پایه در طول زمان بر مبنای شاخصی^{۵۰} تعریف شده تعدیل می‌شود:

$$P = P_0 \times ((f)) \times ((A))$$

که در این فرمول، (P) قیمت، (P_0) قیمت پایه تعریف شده، (f) ضریب و (An) میانگین تغییرات در قیمت رفرنسی مشخص (A) در مدت زمانی تعریف شده برای بازنگری در قیمت (n) است.

فرمول معمول‌تر اما پیچیده‌تر در قرارداد فروش گاز، تعدیل قیمت پایه با ارجاع به فرمول ضربدری^{۵۱} در بردارنده بیش از یک شاخص است:

48. Coop Graham & Laurent Gouiffès, Arbitration and Pricing Mechanisms in International Gas sale contracts, Oil, Gas & Energy Law Intelligence, Volume I, issue #02, www.gasandoil.com/ogel/, March 2003, p. 3

49. national balancing point

50. index

51. multiplicative formula

$$P = p_o (0.5 \times GO/GO_o + 0.5 \times HSFO/HSFO_o)$$

در این فرمول، (P) قیمت، و حاصل ضرب (P_o) قیمت پایه تعریف شده در نوسانات ارزش شاخص‌های تعیین شده است. در این مثال، صورت کسر، قیمت کنونی گازوئیل (نفت گاز)،^{۵۲} تقسیم بر مخرج کسر، قیمت تاریخی توافق شده گازوئیل (نفت گاز)^{۵۳} شده و نتیجه در عدد مشخصی (0.5) ضرب می‌شود. همین وضعیت در مورد شاخص دیگر، یعنی نفت کوره (نفت سیاه) با سولفور بالا^{۵۴} اعمال و نتیجه در قیمت پایه ضرب می‌شود.^{۵۵} همچنین ساز و کار تعدیل قیمت می‌تواند به صورت فرمول جمعی^{۵۶} باشد:^{۵۷}

$$P = P_o + (0.5 \times GO - GO_o) + (0.5 \times HSFO - HSFO_o)$$

تعریف متغیرها و شاخص‌ها همان است که در بالا ذکر شد.

ب) انتخاب شاخص

همان‌طور که دیدیم هدف نهایی از تعیین قیمت گاز، درج فرمولی است که بتواند به‌طور منصفانه رضایت طرفین را در طول مدت قرارداد در میان تغییرات موجود در بازار جلب کند. در این میان نباید تعصب خاصی بر اعمال یکی از فرمول‌های فوق‌الذکر داشت؛ بلکه ترکیبی از این دو با انتخاب هر شاخصی که طرفین، راحت‌تر بدان توافق می‌کنند، می‌تواند در قرارداد گنجانده شود. شاخص‌های ذیل، شاخص‌هایی هستند که در زمان انتخاب، توسط طرفین مورد ملاحظه قرار می‌گیرد:^{۵۸}

۱. **قیمت نفت خام:** تغییرات مظنه قیمت نفت خام به‌عنوان شاخص معمولاً برای فروشنده‌ای که شرکتی نفتی است مطلوبیت خاصی دارد چرا که چنین فروشنده‌ای با بازار تجارت نفت و نوسانات قیمت آن آشنا است. در عوض، خریدار تمایلی به چنین شاخصی ندارد، زیرا بعید است عواید ناشی از باز فروش یا مصرف گاز با وضعیتی مشابه رشد کند.
۲. **قیمت مشتقات نفتی در معاملات بین‌المللی:** فروشنده‌ای که شرکتی نفتی است به همان دلایل گفته شده تمایل به درج قیمت بین‌المللی مشتقات نفتی، چون گازوئیل (نفت گاز) و نفت کوره (نفت سیاه) با سولفور بالا یا پایین به‌عنوان شاخص در قیمت گاز دارد.

52. gas oil price (GO)

53. Historic Price of Gas Oil (GO_o)

54. high sulfur fuel oil

55. Trimble Niall, Understanding Gas Pricing Provision, Oil and Gas Law and Taxation Review, Vol.11, Sweet & Maxwell, 1993, p. 319.

56. additive formula

57. loc. cit.

58. Roberts Peter, op. cit., pp.119-120.

۳. قیمت مشتقات نفتی در بازارهای داخلی: خریدار، رغبت بیشتری به قیمت مشتقات نفتی در بازار داخلی به‌عنوان یک شاخص در قیمت گاز دارد بدین شرط که قیمت این مشتقات در بازاری ملاک قرار گیرد که خریدار می‌خواهد در آن گاز یا مشتقات آن را بفروشد.

۴. قیمت برق: قیمت برق در بازار مصرف‌کنندگان نهایی از آن جهت که رقابت نزدیک با قیمت گاز در بازار مشابه خود دارد، برای خریدار به‌عنوان یک شاخص در قیمت‌گذاری گاز مطلوبیت دارد.

۵. قیمت زغال سنگ: برای فروشنده، زغال سنگ فاقد جذابیت کافی است؛ چرا که این سوخت در مقایسه با گاز، سوختی ناپاک و دارای نسبت انرژی کمتری است و احتمال افزایش قیمت آن با توجه به این خصوصیات بسیار کم است. اما زمانی که خریدار از گاز به‌عنوان خوراک برای تولید نیرو استفاده می‌کند این محصول واجد مطلوبیت است؛ بدین خاطر که در بازارهای خاص پس از گاز، زغال سنگ برای تولید نیرو خوراک اصلی محسوب می‌شود.

۶. قیمت گاز: قیمت رقابتی و تثبیت شده گاز می‌تواند بهترین راهنما برای تعیین قیمت گاز باشد؛ چرا که معلوم می‌دارد گاز در این قرارداد فروش گاز با چه قیمتی در حال رقابت است. اما این قیمت نمی‌تواند به‌عنوان شاخص در قرارداد مورد استفاده قرار بگیرد؛ زیرا استفاده از قیمت رقابتی گاز در قراردادهای فروش می‌تواند موجب تسلسل شود.

۷. تورم: طرفین می‌توانند شاخصی غیر از انرژی‌ها مثل تورم عمومی را از آن جهت که بازتابی از ثبات اقتصادی است در فرمول قیمت بگنجانند.

در عمل، از آنجا که شناخت شاخصی که بتواند کمترین نوسان را در طول زمان داشته باشد، دشوار است، در فرمول قیمت گاز معمولاً از مجموعه‌ای از شاخص‌ها با ارزش‌های یکسان یا متفاوت استفاده می‌شود. بنابراین، تعیین هر شاخص و ارزش آن برای درج در فرمول قیمت گاز، حاصل مذاکرات طرفین است، مذاکراتی که تحت تأثیر عاملی به نام قیمت پایه قرار دارد. هرچه قیمت پایه بالاتر باشد خریدار در شاخص‌ها و میزان تأثیر آن سختگیرتر خواهد بود و بالعکس.

مبحث دوم) تعدیل قیمت گاز و شروط مربوط به بازنگری در قیمت

قراردادهای بین‌المللی دربردارنده شروطی هستند که به طرفین اجازه می‌دهند تا در صورت وقوع حوادث مشخص، مذاکرات جدیدی را برای رسیدن به توافقی جدید شروع کنند و در صورت عدم توافق، کارشناس یا دیوان داوری را برگزینند تا کارشناس یا دیوان مزبور، شروط مورد اختلاف را با توجه به شرایط اقتصادی جدید و اصل تعادل اقتصادی عوضین که طرفین آن را در زمان انعقاد قرارداد مدنظر داشته‌اند، اصلاح و تعدیل کنند. به این‌گونه شروط عموماً شرط مربوط به برگزاری

مجدد مذاکرات و اصلاح و تعدیل^{۵۹} گفته می‌شود. اگرچه نظریه‌پردازان حوزه قراردادها درج چنین شروطی را توصیه کرده، از آنها دفاع می‌کنند اما اشخاص حقوقی در سطح بین‌المللی به‌طور معمول به‌هنگام انعقاد قرارداد، تمایلی به درج آنها نشان نمی‌دهند. این عدم تمایل به‌خاطر ترس از این است که این شروط می‌توانند وضعیت طرفین را غیرقابل پیش‌بینی کرده، هزینه‌های قراردادی را بالا ببرند و قرارداد را به حالتی غیرقابل اجرا درآورند؛ علی‌الخصوص از آن رو که کارشناس یا دیوان داوری به‌هنگام اصلاح و تعدیل این شروط ممکن است رأیی صادر کند که مقصود طرفین نبوده یا تصمیمی اتخاذ کند که غیرقابل اجرا باشد.^{۶۰}

بنابراین، برخلاف گذشته که قراردادهای صنعت نفت حاوی شرطی بود که شرط ثبات^{۶۱} نامیده می‌شد و براساس آن کشور سرمایه‌پذیر نمی‌توانست با وضع قوانین، تعادل قراردادی را بر هم زند^{۶۲} امروزه، هریک از طرفین قرارداد می‌تواند به‌منظور ایجاد ثبات و تداوم در تعادل اقتصادی قرارداد، با استفاده از شرط مذاکرات مجدد و اصلاح و تعدیل، منافع خود را تضمین کند.^{۶۳}

الف) تعدیل قیمت

قرارداد فروش گاز دربردارنده ساز و کاری است که طی آن قیمت گاز در طول مدت قرارداد و به فاصله‌های یکسان تعدیل می‌شود. فواصل زمانی برای تعدیل قیمت گاز، ریسک ناکارآمدی قیمت گاز به‌دلیل تغییرات بازار در طول زمان را از بین می‌برد. معمولاً این فاصله زمانی، یک‌ساله و از ماه اول یک سال کامل تعیین می‌شود تا در صورت اعمال، عطف به‌ماسبق شود و از ابتدای همان سال اعمال گردد.

ارزش واقعی شاخصی که طرفین انتخاب کرده‌اند زمانی مشخص می‌شود که اطلاعات راجع به تغییرات آن بدون ابهام، واضح و صحیح بوده، مرتباً در دسترس قرار بگیرد. بنابراین در صورتی که دسترسی به این اطلاعات و داده‌ها در طول مدت قرارداد غیرممکن شود یا به‌نحوی مورد اصلاح قرار گیرد دیگر اراده طرفین محقق نمی‌گردد. در چنین شرایطی، طرفین تمامی مساعی لازم را برای انتخاب شاخص یا منبع انتشار آن داده‌ها انجام می‌دهند و در صورتی که

59. renegotiation and adaptation clauses

60. Klaus Peter Berger, Renegotiation and Adaptation of International Investment Contracts: The Role of Contract Drafters and Arbitrators, Vand. J., Transnational Law, 2003, pp. 1348-1350.

61. stabilization clause

62. کول مارگاریتا تی.بی. «شروط ثبات در معاملات نفتی بین‌المللی»، ترجمه مصطفی السان و علی رضایی، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۷ سال ۱۳۸۶، ص ۱۹۵.

63. Jeswald W. Salacuse, Renegotiating International Business Transactions: The Continuing Struggle of Life Against Form, 35 INT'L LAW. , 2001, pp.1358-1364.

موفق به توافق در این زمینه نشوند کارشناسی مستقل^{۶۴} را منصوب می‌کند تا شاخص یا منبع انتشار مناسبی را تعیین کند.

در ساز و کار تعدیل قیمت، مهم‌ترین عامل، نوسانات و تغییرات^{۶۵} شاخص(های) انتخابی و میزان پایداری و ثبات این نوسانات و تغییرات است. بنابراین، شرط قیمت گاز هم باید آن قدر منعطف باشد تا این تغییرات را در خود جای دهد و هم باید قابل پیش‌بینی باشد تا تغییرات ناگهانی نتواند در آن اثر بگذارد در همین راستا خریدار و فروشنده به دنبال ضوابطی هستند تا محدوده این نوسانات را تعیین کنند. شرط قیمت گاز می‌تواند دارای دو ضابطه باشد؛ یکی ضابطه حداقلی (کف قیمت)^{۶۶} که حداقل قیمتی است که تضمین‌کننده بازگشت هزینه‌ها و حداقل سود متعارف فروشنده است و دیگری ضابطه حداکثری (سقف قیمت)^{۶۷} که در آن خریدار از افزایش‌های بی‌رویه قیمت‌ها مصون می‌ماند. بنابراین، قیمت گاز اعم از قیمت کلی گاز (قیمت پایه به‌علاوه شاخص آن) یا قیمت جزئی از آن مثل تعدیل قیمت پایه می‌تواند نوسان و تغییر پیدا کند.^{۶۸}

همان‌طور که در بالا اشاره شد مستنبط از ماده ۳۳۸ قانون مدنی و اصول حاکم بر شرایط مورد معامله در مواد ۲۱۶ تا ۲۱۸ از آنجا که ثمن یا قیمت مبیع در عقد بیع یکی از عوضین معامله محسوب می‌گردد و احکام وارد بر مبیع مختص آن نیست و تفاوتی میان ثمن و مبیع از این جهت که هر دو مورد معامله محسوب می‌شوند، وجود ندارد، بنابراین بررسی طبیعت ثمن و تعیین و اوصاف آن، مستلزم بحث ویژه‌ای نیست؛ زیرا قواعد حاکم بر مبیع را درباره آن نیز می‌توان جاری کرد و به‌عنوان قاعده گفت که شرایط لازم در مبیع (مانند وجود، تعیین و معلوم بودن) در ثمن نیز لازم است. بنابراین قیمت نیز در عقد بیع باید عرفاً معلوم باشد و علم تفصیلی بدان در این زمینه لازم است. با توجه به اینکه قیمت گاز در قرارداد فروش گاز براساس فرمول‌بندی‌های خاصی که در بالا آمد، تعیین می‌شود براساس اصل صحت، اعلام صحت معامله، ارجحیت دارد. براساس نظر یکی از نویسندگان هرگاه مبیع یا قیمت قابلیت تعیین را در آینده داشته باشد در نفوذ بیع اختلاف است و حکم به صحت ترجیح دارد؛^{۶۹} زیرا برای مثال، مرجع قضائی یا داور در هنگام بررسی پرونده و ارجاع امر به کارشناس می‌تواند دریابد که به چیزی باید حکم کند.

64. independent expert

65. price volatility and the movement of the selected indices

66. floor (or bottom stop)

67. ceiling (or top stop)

68. Trimble Niall, Understanding Gas Pricing Provision, *op. cit.*, p. 321.

۶۹. کاتوزیان، ناصر، «قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی»، چاپ هفتم، نشر میزان، ۱۳۸۱، ص ۲۹۵.

ب) شروط مربوط به بازنگری در قیمت گاز

قراردادهای بلندمدت فروش گاز که بیشتر در معرض نوسانات و تغییرات بازار قرار دارند تنها از طریق ساز و کارهای تعدیل قیمت نمی‌توانند منافع فروشنده و خریدار را تضمین کنند، بلکه ساز و کاری نیاز است تا ایشان از تغییرات شدید و ناگهانی قیمت‌ها مصون بمانند. برای مثال، زمانی که قیمت‌ها در بازارهای مشابه به نسبت قیمت قراردادی افزایش شدید داشته باشند فروشنده به‌خاطر این افزایش قیمت‌ها و از دست دادن فرصت فروش گاز با قیمتی بالاتر، خود را مغبون می‌یابد. همین احساس به خریداری که کاهش شدید قیمت‌ها را در بازارهای مشابه می‌بیند، دست می‌دهد؛ چرا که خریدار صرفاً دچار احساس غبن نمی‌شود بلکه خرید گاز با قیمت قراردادی برای وی دیگر اقتصادی نیست. برای مثال، این امکان برای خریداری که قصد دارد گاز یا محصولات پتروشیمی یا نیروی حاصل را در بازار رقابتی باز فروش کند، عملاً وجود ندارد. در این حالتی ممکن است ساز و کار تعدیل و کنترل نوسانات در برابر این چنین تغییرات بنیادین پاسخگو نباشد. شرط فورس‌ماژور هم نمی‌تواند در مورد تغییر اوضاع و احوال اقتصادی اعمال شود. بنابراین، در چنین مواردی بازنگری اساسی در ساز و کار قیمت گاز لازم می‌آید و به همین دلیل طرفین درصدد درج شرط عسر و حرج^{۷۰} یا شروط مربوط به بازنگری قیمت گاز^{۷۱} برمی‌آیند.

۱. عسر و حرج

در صورتی که در طول زمان به دلیل تغییرات ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی در بازار، یکی از طرفین دچار سختی و صعوبت در اداره امور تجاری خود در یک زمینه به‌خصوص شود یا به عبارتی، ادامه پروژه برای وی اقتصادی نباشد مطابق با چنین شرطی، طرفین باید در ساز و کار قیمت گاز (اعم از قیمت پایه، انتخاب شاخص‌ها و ارزش هر شاخص) بازنگری کنند. البته طرفین باید در خصوص تعریف دقیق این شرط و مصداق خارجی آن دقت لازم و کافی به خرج دهند. برای اینکه این شرط از حالت یک توافق صرف^{۷۲} درآید و ضمانت اجرای عملی پیدا کند، ممکن است شرط شود که در صورت عدم توافق طرفین برای رسیدن به یک ساز و کار جدید برای قیمت، موضوع به کارشناس مستقل مرضی‌الطرفین ارجاع شود که این ارجاع می‌تواند نه تنها در خصوص تعیین ساز و کار قیمت، بلکه در باب داوری بر سر این مسئله باشد که آیا واقعاً شرایط اعمال چنین شرطی محقق گردیده است یا نه.^{۷۳}

70. hardship

71. price review provisions

72. an agreement to agree

73. Trimble Niall, Gas Sales Agreements, In Upstream Oil and Gas Agreements, ed. David Martyn R., London, Sweet & Maxwell, 1996, p.177.

۲. شرط بازنگری در قیمت قرارداد^{۷۴}

مطابق با این شرط، یکی از طرفین حق دارد با اثبات ناکارآمد بودن ساز و کار فرمول قیمت در شرایط کنونی بازار یا با اعمال حق خود مبنی بر بازنگری در قیمت برای هرچند سال یکبار، درخواست بازنگری بدهد. بنابراین، در اینجا برخلاف مورد فوق، نیازی به تحقق امری در خارج، یعنی ایجاد تغییرات ناگهانی در قیمت‌ها یا عدم پیش‌بینی اوضاع و احوال اقتصادی وجود ندارد، بلکه صرف اثبات ناکارآمدی ساز و کار قیمت یا گذشت زمان و رسیدن زمان امکان اعمال این حق پس از گذشت چند سال مقرر، کافی است. بنابراین، این شرط برای طرفین علی‌الخصوص فروشنده‌ای که نمی‌تواند اثبات کند عسر و حرج یا شرایط غیرقابل پیش‌بینی اتفاق افتاده است، مطلوبیت دارد.

در هریک از موارد دوگانه از شروط بازنگری، موارد ذیل باید مورد ملاحظه و توجه طرفین قرار گیرد:

- ساز و کار چگونگی توافق طرفین برای بازنگری؛
- ساز و کار حل اختلاف و ارجاع امر به کارشناسی مرضی‌الطرفین در صورت عدم حصول توافق؛
- نحوه اعمال قیمت بازنگری شده و عطف بماسبق شدن آن یا تاثیر آن از تاریخ توافق یا رأی کارشناسی؛
- فواصل اعمال چنین حقی بر حسب سال؛
- استثنای تصمیمات و مقررات دولتی در خصوص اصلاح قیمت از بازنگری.

نتیجه

از خلال مباحث فوق‌الذکر می‌توان چنین نتیجه گرفت که اولاً فرض صحت قرارداد فروش گاز اثبات گردید و در واقع اگرچه در زمان انعقاد قرارداد، مبیع، مقادیر گاز و قیمت آن معلوم نیست، ولی قابلیت تعیین آن براساس فرمول‌های مشخص، بدانها علم عرفی می‌دهد. در اینجا ملاک علم، عرف خاص یعنی متعارف بودن مسئله در میان شرکت‌های بین‌المللی است نه عرف عام. به عبارت دیگر، مهم نیست که عامه مردم، ساز و کار مقدار و قیمت در چنین قراردادهایی را دریابند بلکه در نظر معامله‌گران بین‌المللی که شرکت‌های بزرگ نفتی هستند و نیز در نظر دادرس یا داور که ابهام ظاهری موضوع را با ارجاع به کارشناسان فنی و مالی خود برطرف می‌سازند وضعیت مبیع و ثمن در چنین قراردادی معلوم است.

74. price review (price revision)

ثانیاً با تدقیق در مفاد عمومی قراردادهای بلندمدت فروش گاز می‌توان دریافت هرگاه مدت قرارداد و میزان گازی که قرار است بر مبنای برنامه زمان‌بندی شده تحویل گردد، زیاد باشد، ریسک‌های بیشتری قرارداد را تهدید می‌کند. در نتیجه، طولانی مدت بودن قرارداد، طرفین را مجبور به پیش‌بینی ساز و کارهای لازم برای پیشگیری از بروز اختلافات در مذاکرات مجدد قیمت گاز، میزان گاز و کاهش یا افزایش میزان آن می‌کند. اما طرفین قرارداد فروش گاز چگونه می‌توانند این ریسک‌ها را در قراردادهای بلندمدت کاهش دهند؟ به عبارت دیگر، طرفین می‌خواهند ریسک عواملی که ممکن است خواسته ابتدایی و قصد واقعی آنها را متأثر می‌سازد، کاهش دهند. در ذیل، مهم‌ترین راهکارهایی که طرفین به‌طور کلی می‌توانند به‌کار بگیرند تا این‌گونه ریسک‌ها را کاهش دهند، برشمرده شده است:

- یکی از طرفین یا هر دو در صدد باز گذاشتن راهی برای مذاکرات آتی در برخی از شروط اصلی و اساسی هستند، به این علت که این شروط با گذشت زمان و شرایط حادث در بازار ممکن است دیگر کارآمد نباشند.

- برخی شرایط و اوضاع و احوال ممکن است پیش آید که طرفین خواستار توضیح یا رفع ابهام در آن مورد باشند، مثلاً شاخصی که دسترسی به این اطلاعات و داده‌های مربوط به آن در طول مدت قرارداد غیرممکن شود یا به‌نحوی مورد اصلاح قرار گیرد.

- واضح‌ترین مثال در تعدیل قرارداد، امکان تعدیل قیمت قراردادی به‌واسطه تغییر شاخص‌ها یا کاهش یا افزایش قیمت پایه در فرمول قیمت گاز در قراردادهای بلندمدت است. این مسئله را کمتر می‌توان در قراردادهای کوتاه‌مدت مشاهده کرد.

- طرفین برای از سرگیری مذاکرات، تصمیمی آگاهانه و معقول بگیرند؛ به‌طوری‌که مکلف باشند براساس شروط قراردادی، مثل شرط بازنگری، هر سه یا چهار سال یک‌بار، با توجه به اوضاع و احوال بازار و تغییرات آن، مذاکرات را از سر بگیرند. بنابراین، طرفین از مناقشه بر سر شروط قراردادی دست برداشته، برای رسیدن به خواسته‌هایشان بر این شرط قراردادی تکیه می‌کنند.

- انتخاب شاخص‌های مناسب در فرمول قیمت گاز می‌تواند راه‌حل خوبی برای کاهش اختلافات طرفین در طولانی مدت باشد.

- تحویل‌گیری گاز زودتر از موعد. اگر خریدار گاز بیشتری را از آنچه تعیین شده، تحویل بگیرد میزان گازی که اضافه گرفته با دیگر مقادیری که در ماه‌ها یا سال‌های گذشته بیشتر از میزان تعیینی تحویل گرفته است، جمع می‌شود و به‌عنوان موازنه حمل پیشاپیش^{۷۵} وی محاسبه می‌شود. در ماه‌ها یا سال‌های بعدی، در صورتی که خریدار از میزان سالانه قراردادی خود، گاز

75. carry forward balance

کمتری تحویل بگیرد، می‌تواند این امر را به حساب آورد و از این طریق از مسئولیت ناشی از تعهد دریافت یا پرداخت خود بکاهد.
- تحویل‌گیری گاز دیرتر از موعد.